این مقاله
به سفارش حرم مطهر
امام رضا علیه السلام نگاشته شده و
در سایت رضوان علم به آدرس
http://razavi.aqr.ir/
موجود می باشد.

سبک زندگی لیبرالی و افزایش طلاق

زیبا رودی
دانش آموخته سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

چکیده

پژوهش حاضر با موضوع تأثیر سبک زندگی لیبرالی در افزایش طلاق، سعی دارد با تمرکز به معضلی به نام طلاق و افزایش آن در جامعه، تأثیر اندیشه های لیبرالی را در آمار رو به رشد طلاق یادآور شده و آن ها را تا حد امکان برجسته ساخته و سپس با مراجعه به متون دینی تقابل آن ها را با این اندیشه ها نشان داد، و برخی راه کارهای حل این معضل را به اختصار مطرح نماید.

عقاید و افکار لیبرالی از قبیل فردگرایی، عقل گرایی و مخصوصاً آزادی، از جاذبه ای خاص و گول زننده برخوردار است. در مقابل اسلام با طرح اصول و قوانینی در مقابله با هر اندیشهٔ مخربی پرداخته است که از آن جمله می توان به خدامحوری، اصلاح ذات البین، صلهٔ رحم و ... نام برد.

واژگان کلیدی

طلاق، آموزه های دینی، لیبرالیسم، مسئولیت پذیری، سبک زندگی، فردگرایی

طرح مسأله

بررسی های پژوهشگران عرصه های مختلف اجتماعی و مشاهدات عینی، نشان از آن دارد که در دو دههٔاخیر، افزایش آمار طلاق ذهن پژوهشگران و دلسوزان این حوزه را بر آن می دارد که به نحو دقیق تری به بررسی علل و عوامل این معضل بپردازند و ریشه های آن را شناسایی کنند و راهکارهایی را برای رفع این مشکل ارائه دهند.

بدون تردید نقش باورها در این میان نقش بی بدیل و تأثیرگذار در سبک زندگی غیرقابل انکار است. باورهای گوناگون گاه در تقابل با یکدیگر در رسانه های مختلف جهان ارائه و ترویج می گردد.

با اذعان به اینکه اندیشه های لیبرالی همانند سایر اندیشه های بشری و انتساب صحت و سقم به همه ساختار آن، کاری به دور از انصاف به حساب می آید و نیز بیان این مطلب که چنین اندیشه هایی را نمی توان به نحو قانون همه یا هیچ، پذیرفت یا رد کرد؛ با این وصف آن چه در اینجا از اهمیت برخوردار است، برجسته ساختن این اندیشه ها و روشن کردن زوایای پنهان آن ها در تقابل با اندیشه های دینی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می گردد و تأثیر آنها در پیدایش معضل طلاق مورد کنکاش قرار می گیرد.

پژوهش حاضر با تمرکز بر معضلی به نام طلاق و افزایش آن در جامعه در پی آن است که تأثیر اندیشه های لیبرالی را در آمار رو به رشد طلاق یادآور شود. آنها را تا حد امکان برجسته سازد و سپس با مراجعه به متون دینی، تقابل آنها را با این اندیشه ها نشان دهد و راهکارهای حل این معضل را به اختصار و در حوصله این نوشتار به نقد و بررسی گذارد از این رو نخست خلاصه ای از اندیشه های لیبرالی اشاره می گردد و در مرحله بعد نقش آنها در تخریب باورها و تأثیر منفی آن در خانواده و روابط زوجین اشاره می شود و در پایان به اجمال راهکارهای دین برای شناسایی این معضل و حل آن پرداخته می شود.

اندیشه های بشری را نمی توان به نحو قانون همه یا هیچ، پذیرفت یا رد کرد.

تقابل اندیشه های لیبرالی با اندیشه های دینی

لیبرالیسم با قدمت دو سه سده ای با مطرح کردن برخی از مبانی و اندیشه های خود، مورد توجه و پذیرش تعداد قابل توجهی از غربیان قرار گرفته است و از زمان پیدایش

خود اندیشه های دیگر را نیز کم و بیش متأثر ساخته است. اصولی مانند فردگرایی، عقل گرایی و مخصوصاً آزادی و ... ذهن و روح برخی انسان ها را به تسخیر در آورده است. (اندیشه اسلامی ۲، جعفر سبحانی، محمد رضایی، ص۳۴۱)

در این بخش تقابل این افکار با اندیشه اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱) فردگرایی

لیبرالیسم با بیان فردگرایی و اصالت فرد و تأکید بر انسان محوری و بی نیاز دانستن خود از آموزه های وحیانی، تقابل خویش را با ربوبیت تشریعی خداوند به صراحت بیان میکند. (آزادی عقل و ادیان، سروش، ص۲۴)

از نظر لیبرال ها این فرد است که بر اساس تجربه خویش و گردآوری تجربه های دیگران و با بهره گیری از خرد جمعی در پی سامان دادن سبکی از زندگی است که تطابق و یا تقابل آن با آموزه های دینی از اهمیت چندانی برخوردار نیست. (همان)

به بیان دیگر، لیبرال می کوشد قالب فردگرایی را با نادیده گرفتن آموزه های دینی و حتی تقابل با آنها، حفظ نماید. هنگامی که شخص در لاک خودگرایی و فردیت فرو رفت و دیگران را با نگاه درجه دوم نگریست، آهنگ ناساز جدایی به صدا در می آید، افراد از یکدیگر هرچه بیشتر دور می گردند تا جایی که فردگرایی به زندگی زوجی جوان نیز رحم نمی کند و آنان را درگیر خود و علایق خویش و نادیده گرفتن حقوق طرف مقابل می کند.

خواسته های خود و نه شریک زندگی، محور قرار می گیرد، نغمه ناساز «تو من را درک نمی کنی» آغاز می شود و طرف مقابل نیز دقیقاً همین جملات را بر زبان جاری می سازد. از این جاست که زندگی به تدریج و آرام آرام به سوی طلاق عاطفی سوق می یابد و در ادامه اگر مراقبت های لازم صورت نگیرد و تمهیدات ضروری اندیشیده نشود، و آموزه های لیبرالی هم چنان یکه تاز میدان زندگی زوجین باشد، علی رغم میل اعضای خانواده سردی بر روابط آن ها چیره می شود و سخن از جدایی و طلاق به گوش می رسد.

به بیان دیگر، لیبرال می کوشد قالب فردگرایی را با نادیده گرفتن آموزه های دینی و حتی تقابل با آنها، حفظ نماید.

۲) عقل گرایی

عقل گرایی، عنوانی عام برای نظام هایی فکری و فلسفی است که نقش عمده و اساسی را به عقل می دهند. این واژه در حوزه های گوناگون معرفتی، معانی متفاوتی می یابد.

شاید گفته شود آسیب های جدی از ناحیه فردگرایی به بنیان خانواده، با تمسک به اصل عقل گرایی لیبرالی، قابل جلوگیری و درمان است؛ اما اگر به مفهوم عقل گرایی لیبرالی اندکی توجه صورت گیرد، خواهیم فهمید که عقل گرایی در لیبرالیسم به معنای عقل ابزاری، دنیوی و این جهانی است. و پیش فرض پیدا یا پنهان این نوع از عقل گرایی آن است که عقل نباید به آموزه های دینی برسد چرا که در این صورت، سایر بنیان های لیبرالیسم یکی پس از دیگری فرو می ریزد و مجالی برای ابراز وجود آنها در واقع نمی ماند.

اکنون خانواده ای را تصور کنید که می خواهد پایه های زندگی خویش را بر تجربه های ناهمگون بشر بنا نهد و سبک زندگی خویش را با آن هماهنگ سازد چه مشکلاتی را فراهم خواهد ساخت.

۳) آزادی

نوای دلنشین آزادی، قلب و روح میلیون ها یا میلیاردها انسان را به خود جلب کرده است. اما آزادی به واقع چیست؟ کیست که با آزادی مخالف باشد. آیا رهایی از قید و بندهای ظالمانه اجتماعی، خانوادگی، سیاسی می تواند آرمان انسان های حق جوی تاریخ نباشد؟ راستی آزادی به چه معناست؟

«آزادی یعنی اینکه آدمیان بتوانند ابراز وجود و اعمال اراده و بذل سرمایه و طراحی و برنامه ریزی و سازندگی کنند» (آزادی های فردی در اسلام، خامنه ای، ص ۵۵)

اسلام، جانبدار آزادی است، ولی آن آزادی را می پذیرد که برابر ترازهای اسلامی باشد.

بسیاری از آزادی های پذیرفته شده در غرب با اسلام همسوئی ندارد و با شرافت انسانی و فطرت بشری ناسازگار است.

لیبرالیسم معتقد است آزادی باید از مجرای عقل گرایی لیبرالی عبور کند. فردیت و عقل گرایی نیز بر اساس آنچه گذشت از رهگذر دین، عبودیت، خداوند و آموزه های الهی و وحیانی عبور نمی کند و به تبع آن آزادی نیز میانهٔ چندانی با تعالیم دینی ندارد و تعالیم دینی را اگر بپذیرد تا جایی است که با اصول لیبرالی در تصادم نباشد و در صورت ناهماهنگی، این اندیشه های دینی هستند که باید جای خود را به اصول لیبرالی بسپرند.

عقل گرایی در لیبرالیسم به معنای آن است که عقل نباید به آموزه های دینی برسد چرا که در این صورت، سایر بنیان های لیبرالیسم یکی پس از دیگری فرو می ریزد.

خانواده ای که سبک زندگی خویش را بر پایه های اندیشه لیبرالی استوار ساخته است به چنین آزادی معتقد است و در پی آن به سرنوشت *سست شدن پایه های خانواده، فروپاشی آن*، مبتلا می شود که اندیشمندان آن دیار را برای رفع آن به تکاپو وادار ساخته است و نسخه های مختلفی برای رفع این معضل پیشنهاد می دهند.

راه کارهای حل معضل طلاق در آموزه های دینی

اینک پس از آشنایی اجمالی با اندیشه های لیبرالی و تأثیر ناگوار آن ها بر زندگی، یگانه راه رهایی، پناه بردن به آموزه های دینی و گوش سپردن به ندای دلنشین سخن پروردگار عالمیان است، تا آرامش رفته، دوباره به زندگی بازگردد و محبت و عشق راستین با ایمان به مبدأ خوبی ها و یک رنگی، دیگرخواهی، فداکاری و ... برای زندگی به ارمغان آید. خداوند از طریق ادیان راستین، باورها و بینش هایی را عرضه می کند که سبک زندگی را تغییر می دهد و رویکردی دیگر را به زندگی، فرا روی همهٔ انسان ها قرار می دهد. بنابر این به خانواده ها و زوج های مسلمان توصیه می شود که هرچه

سریع تر از آموزه های لیبرالی فاصله بگیرند و زندگی خود را براساس آموزه های الهی سامان دهند.

آموزه های دینی در تقابل آشکار با اندیشه های لیبرالی به قرار زیر مطرح می گردند:

۱) خدا محوری به جای خود محوری

دین با اصرار ویژه و منحصر به فرد از انسان ها می خواهد فردگرایی و خود محوری را رها سازند، بر خداوند تکیه کنند که خداوند بهترین وکیل، پشتیبان و یاری گر انسان در زندگی است و با وجود او به فرد دیگر نیاز ندارد. خداوند او را بس است «و من یتوکل علی الله و هو حسبه و علی الله فلیتوکل المؤمنون.» (آل عمران: ۱۲۲)

انسان خودمحور خدا را از یاد می برد و نتیجهٔ آن در تعامل با دیگران خودنمایی می کند. او انسانی را می ماند که هدف از خلقت خویش را که همان عبودیت پروردگار است، از یاد برده است و معلوم است چه بلاهایی بر سر انسان حیران و سرگردان و گم کرده راه، خواهد آمد.

دین با اصرار ویژه و منحصر به فرد از انسان ها می خواهد فردگرایی و خود محوری را رها سازند، بر خداوند تکیه کنند که خداوند بهترین وکیل، پشتیبان و یاری گر انسان در زندگی است.

آموزه های دینی زنان، مردان، اعضای خانواده و زوجین را مورد خطاب خود قرار می دهد و نکته های ضروری و سرنوشت هایی را به آنان گوش زد می کند که غفلت از آن ها سرنوشت ناگواری را برای آنان رقم خواهد زد.

۲) ترک خودبینی و پیروی از هوا ی نفس

در تقابل با اندیشهٔ فردگرایی، خود محوری و انسان محوری لیبرالیسم، آموزه های دینی، خدا محوری را یادآور می شوند. اعمال انسان در صورتی ارزش دارد که بر اساس اخلاص و خدا محوری و با نیت تقرب به پروردگار انجام یافته باشد. در وسایل الشیعه از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «ثلاث مهلکات: شحٌّ مطاع و هوی متبع و اعجاب المرء بنفسه »(وسایل الشیعه، حرعاملی، ج۱، ص۷۷؛ بحار الانوار،

مجلسی، ج۶۴، ص۳۳۵؛ مستدرک الوسایل، طبرسی، ج۱۲، ص۱۱۳)؛ سه چیز است که باعث هلاکت می شود: بخلی که از آن اطاعت شود، هوا و هوسی که از آن پیروی گردد، گرفتار شدن به خودبینی.

این روایات و امثال آن، در خانواده، زن و مرد را از هرگونه خودرأیی و خود بینی باز می دارند و آنان را به جادهٔ انصاف، حق خواهی و دیگر دوستی رهنمون می شوند. حدیث نخست از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، هم زمان دو اصل فردگرایی و آزادی لیبرال ها مورد نقد قرار می گیرد. از سوی دیگر در روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام، دیگر دوستی و ابراز محبت به دیگران از نشانه های عقل و خردمندی انسان معرفی شده است. این دسته از روایات عقل گرایی لیبرالیسم را در بوتهٔ نقد می گذارد و معنای عمیقی از خردمندی ارایه می دهد. از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «التودد الی الناس نصف العقل» دوست داشتن و اظهار محبت به مردم نیمی از خرد است. با اندکی دقت روشن می شود محبت همسران به یکدیگر بر اساس این حدیث با تأکید بیشتر، از لوازم خردمندی آنان است.

«لو لم تذنبوا لَخشیتُ علیکم ما هو اکبر من ذلک العجب العجب» اگر گناه هم نکنید از چیزی بزرگ تر از گناه بر شما می ترسم، خودبینی، خودبینی.

۳) از بین بردن بسترهای جدایی و طلاق

راهکار روایات اسلامی در بحث جلوگیری از جدایی و طلاق، از بین بردن بسترهای آن است، خانواده ای که بر اساس آموزه های اهل بیت علیهم السلام، زندگی خود را پایه ریزی کرده است، با عمل به این تعالیم نورانی، اخلاص را سر لوحهٔ کار خویش قرار می دهند، آزادی را پاس می دارند اما آن را با هوا و هوس ها در هم نمی آمیزند و بر اساس خردمندی به یکدیگر محبت می ورزند. آری، آنان بر اساس حدیثی از امام رضا علیه السلام، دیگری را برخود ترجیح می دهند و حقیقتاً او را از خود بهتر و بالاتر می دانند. روشن است هنگامی که انسان کسی را بهتر از خود دید، به سخن او گوش می دهد و

سعی در برآورده کردن خواسته های او می کند. در این حدیث شریف نشانه های خردمندی شخص مسلمان را ده مورد ذکر نموده اند که متناسب با این بحث، نشانهٔ دهم با تأکید فراوان چنین است: «العاشر ... ما العاشره »دهم و چیست آن دهم؟ سپس امام رضا علیه السلام می فرمایند: «لا یری احداً الا قال هو خیرٌ منّی و أتقی» (ابن شعبه الحرانی، ص۴۴۳). «شخص مسلمان با هیچ کسی برخورد نمی کند مگر آن که می گوید: او از من بهتر است. امام رضا علیه السلام در این حدیث شریف از آنان می خواهد با به کارگیری اصل «دیگر برتر بینی» زندگی خود را از ورطه های خطرناک جدایی و آثار و توابع پس از آن نجات دهند.

ممکن است تصور شود تواضع و «دیگر برتر بینی» باعث تحقیر انسان و کوچک به شمار آمدن او گردد، اما روایات اسلامی حقیقت دیگری را بیان می دارند. این روایات، علت انتخاب پیامبران صلوات الله علیهم اجمعین را از سوی خداوند، تواضع و «دیگر برتر بینی» آنان دانسته اند. در روایتی دیگر از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «التواضع لایزید العبد الا رفعه فتواضعوا یرفعکم الله» (کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، ص ۵۷۱۹)

٤) اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر

پدران و مادران، همسران، بستگان و خویشاوندان، همگی بر اساس اصل «امر به معروف و نهی از منکر» مسئولیت دارند و باید در مراقبت از کانون خانواده ای کوشا باشند. فرصت ها را غنیمت شمارند و تهدیدها را از بین ببرند و نگذراند این کانون گرم، به سوی کوچکترین سردی گرایش یابد.

٥) توجه به اصل تعاون در کارهای نیک

اسلام انسان ها را به تعاون و همکاری در کارهای نیک و پسندیده فرا می خواند و آنان را از هرگونه سستی و تنبلی و بی تفاوت باز می دارد. در قرآن آمده است: «تعاونوا علی البرّ و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان، و اتقوا الله ان الله شدید

العقاب»(مائده: ۲) در نیکوکاری و تقوا، یکدیگر را یاری رسانید و در گناه و تعدّی با یکدیگر همکاری نکنید، از خدا بپرهیزید که مجازات او بسیار شدید است.

٦) سفارش اکید به اصلاح ذات البین و ایجاد آشتی و صمیمیت میان مسلمانان

در بسترهای لیبرالی که بی تفاوتی، تساهل و تسامح های ناشی از بی طرفی و عدم مسئولیت نسبت به سرنوشت یکدیگر فضایی از سردی روابط را رقم زده است، خداوند همگان را به ایجاد آشتی و صلح دعوت می کند و می فرماید: «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم» (انفال: ۱) از خداوند پروا کنید و میان خود صلح و آشتی برقرار سازید. «انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم» (حجرات: ۱۰) مؤمنان با یکدیگر برادرند میان برادران خویش صلح برقرار کنید. دربارهٔ مسایل خانوادگی می فرماید: «ان یصلحا بینهما صلحا و الصلح خیر» (نساء: ۱۲۸) اگر میان خودشان صلح و سازش برقرار کنند و سازش بهتر است.

نکتهٔ دیگر، تأکید فوق العادهٔ اسلام بر صلهٔ رحم و توجه جدی به مشکلات نزدیکان و سعی و تلاش در رفع آن ها می باشد. هرگونه احسان و نیکویی که در حق خویشان انجام شود، مصداق صلهٔ رحم است. از آن جمله: برقراری رابطه و آمد و شد، کمک مالی، دفاع و پشتیبانی در برابر ظالم، خوش رویی، سلام و سخن (جامع السعادات، نراقی، ج۲، ص۲۶۱) خداوند در قرآن می فرماید: «واتّقوا الله الذی تسائلونَ به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا» (نساء: ۱) و از خدایی بپرهیزید که هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید نام او را می برید و نیز از قطع رابطه با خویشاوندان خود بپرهیزید زیرا خداوند مراقب شماست.

ارتباط صمیمانه و دیدار با خویشاوندان، امکان توفیق بهره گیری مناسب و شایسته از سرمایهٔ وجودی ایشان، کاهش دردها و نگرانی های ناشی از احساس غربت در میان دیگران و بهره مندی از امنیت خاطر به دلیل پشتیبانی و حمایت همه جانبهٔ ایشان به

هنگام بروز مشکلات و حوادث از عواملی است که می تواند زوج های جوان را تا اندازۀ زیادی در برابر برخی آسیب های روانی و اجتماعی بیمه کند. (ر.ک: روابط سالم در خانواده، حسینی، ص۱۸۰)

۷) اصل مسئولیت پذیری همگانی

در جامعۀ اسلامی هیچ کسی را نمی توان یافت که خود را غیر مسئول قلمداد کند. همۀ مسلمانان این فرمایش گران سنگ نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به یاد می آورند که فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته» (مجلسی، ج۷۲، ص۳۸) به راستی که همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید.

برای غلبه بر مشکلات جامعه و سازندگی اجتماعی و نیز از بین بردن مشکلات فراگیر در خانواده راهی جز احساس مسئولیت همگانی وجود ندارد. البته با دقت بیشتر و فرصت و حوصلۀ افزون تر می توان به موارد متعددی از راه کارهای اسلام برای برون رفت از تساهل اشاره نمود که می بایست در مباحث تفصیلی به آن ها پرداخته شود.

نتیجه

لیبرال ها با گسترش افکار و باورهای خود در رسانه های جهانی، اذهان مخاطبان، حتی مخاطبان دینی را تسخیر کرده و سبک زندگی شان را تغییر داده اند تا جایی که مخاطب، این باورها را باورهای خود قلمداد می کند و این سبک زندگی را سبکی برآمده از رأی و نظر خود می پندارد.

از جمله باورهای مؤثر لیبرالی می توان اصل فردگرایی، عقل گرایی، آزادی و بی طرفی، تساهل و تسامح و رعایت حقوق انسان ها را نام برد که دل مخاطبان را ربوده و باعث تغییر در سبک زندگی شده که این تأثیرات با جملاتی که می گوید این مشکل شماست، این زندگی من است، به کسی مربوط نیست و ... نمایان می شود.

اسلام در مقابل، اصولی را پایه گذاری کرده که اگر به آن عمل شود، اجازه ورود چنین افکار غربی را که پایه های زندگی را متزلزل و در نهایت به طلاق می انجامد نمی دهد.

اصول اسلامی که اصول لیبرالی را هدف قرار داده عبارتند از: اصل خدا محوری به جای فردمحوری، اصل مسئولیت پذیری و اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر؛ راه کارهایی را برای برون رفت از معضل اختلاف خانوادگی ارائه داده که از طلاق جلوگیری می کند، ورود حکمین برای جلوگیری از انشقاق، اصلاح ذات البین، صلهٔ رحم و ارتباط مؤثر خانواده ها با یکدیگر و مسئولیت پذیری زوجین از جمله آن ها می باشد.

منابع

* قرآن کریم
* نهج البلاغه

۱. اندیشه اسلامی، سبحانی، جعفر، قم، نشر معارف، ۱۳۹۱
۲. آزادی، عقل، ایمان، سروش، محمد، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۱.
۳. بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، مجلسی، محمدباقر، مترجم: موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۶۳.
۴. تحفهٔ العقول، ابن شعبه الحرانی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، نشر جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم، ۱۳۶۳.
۵. جامع السعادات، نراقی (ملامهدی نراقی)، محمد بن ابوذر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۰ ش.
۶. درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، هیوود، آندرو، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۷. روابط سالم در خانواده، حسینی، حسینی، داوود، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، امیران منتظر المهدی، ۱۳۸۴.
۸. کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، المتقی هندی، علی بن حسام الدین، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۹. کلام جدید، یوسفیان، حسن، نشر سمت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۱۰. لسان المیزان، العسقلانی، حجر العسقلانی، شهاب الدین ابوالفضل، بیروت، مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۱. لیبرالیسم، گری، جان، ترجمه سیدعلی رضا حسینی بهشتی، تهران، نشر بقعه، ۱۳۸۴.
۱۲. لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن، شاپیرو، جان کالوین، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۳. محجة البیضاء، فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۴. مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، طبرسی، حسین بن محمد تقی نوری، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.
۱۵. میزان الحکمهٔ، محمدی ری شهری، محمد، قم، دارالحدیث، بی تا.
۱۶. نظریه حقوقی اسلام، مصباح یزدی، محمد تقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۰.
۱۷. وسایل الشیعه، حرعاملی، محمد بن حسن، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴.